

دولت‌ها
با در نظر گرفتن
امکاناتی که دارند،
پرننگ‌ترین نقش
را در مسئله شدن
یک مشکل و
اولویت دادن به
یک مسئله در
میان انبوهی از
مسائل اجتماعی
می‌توانند ایفا
کنند.

داشته باشد؛ ولی مردم آن را اظهار نکنند (یا آن را مخمل آسایش خود نیابند)؛ دوم این‌که مسئله‌ای وجود نداشته باشد ولی مردم تصور کنند چنین مسئله‌ای وجود دارد؛ سوم این‌که مسئله‌ای وجود داشته باشد و مردم هم به درستی آن را مسئله بدانند و وجود آن را تأیید کنند.

عجیب اما واقعی است که بر اساس نظر بسیاری از جامعه‌شناسان، حالت اول، یعنی بودن مسئله در جامعه ولی ناآگاهی مردم از آن یا بی‌توجهی آن‌ها به این مسئله باعث می‌شود که آن مسئله به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل نشود. اما در مقابل، اگر در واقع مسئله‌ای وجود نداشته باشد اما در ذهن و ضمیر مردم این تصور شکل بگیرد که با مسئله‌ای اجتماعی دست به‌گریبان‌اند، به‌واقع با مسئله‌ای اجتماعی مواجه هستیم. این خوانش، از مسئله اجتماعی عینیت‌زدایی می‌کند و بر سوژکتیو بودن یا به عبارتی به برساختی بودن آن تأکید دارد.

از منظر علوم اجتماعی اسلامی، سهم بیشتر از آن ابژه است. البته باید به ساحت سوژکتیو هم توجه داشت؛ زیرا غفلت از آن، در دام آن افتادن را با خود به همراه دارد. وقتی ساحت سوژکتیو اهمیت پیدا کرد، به همان میزان نقش رسانه‌ها و البته اندیشمندان اهمیت می‌یابد. بارها دیده‌ایم که رسانه‌ها تصمیم می‌گیرند موضوعی را به مسئله‌ای اجتماعی در جامعه تبدیل کنند و پس از مدتی، بسته به موضوعی که انتخاب کرده‌اند، به هدف خود دست می‌یابند و آن موضوع یا پدیده به مسئله‌ای اجتماعی برای مردم تبدیل می‌شود.

در این میان، دولت‌ها این ظرفیت را دارند که تصمیم بگیرند کدام مؤلفه را پرننگ کنند و کدام را خادم دیگری قرار دهند؛ اندیشه یا رسانه، علم یا پروپاگاندا، واقعیت یا برساخت. هر یک از این واژگان، تعریف خاص خود را دارد که شرحش مجال دیگری را می‌طلبد. در اینجا بررسی چند مثال می‌تواند مرادم را روشن‌تر سازد.

یکی از موضوعاتی که سال‌های اخیر به یکی از موضوعات داغ رسانه‌های خارجی و پس از آن، رسانه‌های داخلی تبدیل شد، حضور بانوان در استادیوم‌های ورزشی برای تماشای مسابقات است. لازم است در اینجا به این مهم اشاره کنم که در این فرصت، در مقام رد یا اثبات این موضوع نیستیم؛ یعنی نمی‌خواهم ثابت کنم زنان باید به استادیوم‌های ورزشی بروند یا نباید بروند.

من در اینجا فقط آنچه در زمینه شکل‌گیری پدیده‌ای اجتماعی پیش آمد، توصیف می‌کنم و برای تشریح دقیق‌تر موضوع از آن کمک می‌گیرم. به دلایل گوناگون و فارغ از هرگونه ارزش‌گذاری، حضور بانوان در استادیوم‌های ورزشی، در جامعه ایران مسئله‌ای اجتماعی به حساب نمی‌آمد و بانوان جامعه ما احساس نمی‌کردند با معضلی اجتماعی مواجه‌اند و باید راهی برای حل آن بیابند و بر همین اساس هم مطالبه‌ای برای آن وجود نداشت؛ اما از جایی به بعد، این موضوع در برخی از رسانه‌ها به عنوان یکی از نمونه‌های بارز نبود آزادی در ایران و نقض حقوق بانوان مطرح شد و در پی آن، موجی رسانه‌ای شکل گرفت و به مطالبه‌ای اجتماعی، البته در بین بخشی از جامعه، تبدیل شد و مسئولان کشور هر روز با پرسش‌های متعدد خبرنگاران در رسانه‌های رسمی یا عموم مردم در فضای مجازی مواجه بودند و باید پاسخی به آن‌ها